

تربیت امیدمحور در سوره یوسف؛

(تحلیل دلالت‌های تربیتی با رویکرد تفسیر موضوعی)

مهدی عبادی^۱

چکیده

این مقاله با هدف استخراج و تبیین مدل "تربیت امیدمحور" از سوره مبارکه یوسف، به عنوان "احسن القصص"، نگاشته شده است. در دنیای امروز، تقویت امید به عنوان یک سازه روان‌شناختی و معنوی اهمیت فراوانی دارد. داستان حضرت یوسف (ع) می‌تواند به عنوان الگویی در تربیت امیدمحور طرح شود.

این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کمک تفسیر موضوعی به تحلیل آیات سوره یوسف و بررسی تفاسیر معتبر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که امید در این سوره، فضیلتی پویا و کنش‌مدار با ریشه در جهان‌بینی توحیدی است. شش مضمون اصلی امید شناسایی شده‌اند: امید در رؤیا، مواجهه با مکر، زندان و سختی‌ها، جدایی، رحمت الهی و بازگشت به حق.

بر اساس این مضامین، هفت اصل کلیدی برای "تربیت امیدمحور" استخراج گردید: (۱) ایمان به غیب، (۲) صبر و استقامت، (۳) توکل به تدبیر الهی، (۴) نگاه فرجام‌بینانه، (۵) فعال‌سازی ظرفیت‌های فردی، (۶) پرهیز از یأس، و (۷) نقش قصه‌گویی در تقویت امید.

کلیدواژه‌ها: تربیت امیدمحور، سوره یوسف، تفسیر موضوعی، امید قرآنی، قصص قرآنی.

^۱ - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: mehdiebadi@um.ac.ir

۱.۱. طرح مسئله و اهمیت آن

زندگی بشری، همواره با چالش‌ها، پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های مستمر همراه بوده است. در عصر حاضر، تحولات شتابان تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی، در کنار بحران‌های جهانی، تغییرات اقلیمی و تنش‌های ژئوپلیتیکی، انسان را با سطوح بی‌سابقه‌ای از نااطمینانی، اضطراب و بحران‌های معنایی مواجه ساخته است (Smith, 2022, p. 45). این وضعیت، به تشدید معضلات روانی-اجتماعی همچون افسردگی، بی‌تفاوتی، و فروپاشی نظام‌های ارزشی انجامیده و ضرورت بازنگری در الگوهای تربیتی را بیش از پیش نمایان ساخته است.

در چنین بستری، مفهوم "امید" نه صرفاً به عنوان یک حالت عاطفی گذرا، بلکه به مثابه یک سازه روان‌شناختی، شناختی و معنوی بنیادین، نقشی محوری در ارتقاء تاب‌آوری، حفظ سلامت روان، تحریک انگیزه و جهت‌دهی به حرکت و پیشرفت فردی و جمعی ایفا می‌کند (Snyder, 2002, p. 249). امید، نیروی محرکه‌ای است که فرد را قادر می‌سازد تا آینده‌ای مطلوب را متصور شود و برای نیل به آن، با پشتکار و اراده گام بردارد (Frankl, 1984, p. 74).

نظام‌های معرفتی و تربیتی برخاسته از منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، ظرفیت‌های بی‌بدیلی برای مفهوم‌پردازی و پرورش این فضیلت حیاتی ارائه می‌دهند. قرآن، به عنوان جامع‌ترین منشور هدایت الهی، نه تنها به صورت نظری به ابعاد وجودی انسان می‌پردازد، بلکه از طریق روایت‌های تمثیلی و قصص معنادار، مفاهیم عمیق تربیتی را در بستر تجارب زیسته انسانی جای می‌دهد (خرمشاهی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۰). این رویکرد روایی، به مخاطب امکان می‌دهد تا با شخصیت‌ها و چالش‌های آن‌ها همذات‌پنداری کرده و درس‌های عملی را از دل حوادث استخراج کند.

با این حال، با وجود غنای بی‌بدیل قرآن در این حوزه، ادبیات پژوهشی موجود در زمینه تربیت اسلامی و روان‌شناسی مثبت‌گرا، همچنان با فقدان الگوهای نظری جامع و بومی در حوزه "تربیت امیدمحور" مواجه است. بسیاری از پژوهش‌ها، به توصیف کلی مفهوم امید در اسلام یا ذکر مصادیق آن اکتفا کرده‌اند و کمتر به تحلیل عمیق و استخراج یک مدل تربیتی منسجم و کاربردی پرداخته‌اند (محمدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۳).

این پژوهش با تمرکز بر سوره مبارکه یوسف، که در قرآن کریم به عنوان "احسن القصص" (بهترین داستان‌ها) معرفی شده است (یوسف: ۳)، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است. این سوره، روایتگر داستانی پرفراز و نشیب از زندگی حضرت یوسف (ع) است؛ روایتی سرشار از ابتلائات سهمگین و موقعیت‌های به ظاهر بی‌سرانجام: از حسادت برادران و افکنده شدن در چاه، تا بردگی، اتهام و سال‌ها زندان (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۷۴). با این حال، در تمامی این مراحل، "امید" به عنوان یک مؤلفه محوری، حضوری نافذ دارد که نه تنها به نجات یوسف و خانواده‌اش می‌انجامد، بلکه به مخاطب نیز درس‌های عمیقی در باب صبر، توکل، تدبیر الهی و نگاه فرجام‌بینانه می‌آموزد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص. ۱۰۲).

با توجه به این ویژگی‌های منحصر به فرد، سوره یوسف یک بستر غنی برای تحلیل عمیق دلالت‌های تربیتی امیدمحور فراهم می‌آورد. این پژوهش، که با روش گردآوری کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی و تحلیل سامان یافته است سعی نموده با اتکا بر روش "تفسیر موضوعی"، و با نگاه کلی به مجموعه آیات، به تحلیل نظام‌مند این سوره می‌پردازد تا مؤلفه‌ها، اصول و سازوکارهای "تربیت امیدمحور" را از دل روایت‌های قرآنی استخراج کرده و الگویی بومی و کاربردی در این زمینه ارائه دهد. بر این اساس سعی شده از تفاسیر روزآمد مانند المیزان و نمونه و تفاسیر متقدم مانند مجمع البیان و کشف به طور متعارف استفاده شود. این رویکرد، نه تنها به غنای مبانی نظری تربیت اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهکارهای عملی برای تقویت تاب‌آوری روانی و امیدواری در افراد و جوامع معاصر فراهم آورد و به چالش‌های روان‌شناختی نوین پاسخ‌های مبتنی بر آموزه‌های وحیانی عرضه کند.

۱.۲. پیشینه پژوهش

مرور ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع امید در اسلام و تحلیل سوره یوسف، نشان می‌دهد که به رغم تحقیقات گسترده در زمینه؛ پژوهش‌های تفسیری عمومی سوره یوسف و مطالعات مرتبط با مفهوم "امید" (رجا) در قرآن و حدیث، اما خلأ پژوهشی عمیقی در زمینه تحلیل نظام‌مند سوره یوسف با رویکرد تفسیر موضوعی و هدف استخراج یک مدل جامع و کاربردی برای "تربیت امیدمحور" محسوس است.

از جمله برخی تحقیقات مرتبط با این مقاله می‌توان به مواردی اشاره کرد؛

- ۱- فرهادیان (۱۴۰۱): در مقاله واکاوی روش‌های تربیتی بر مبنای سوره یوسف (مطالعه کیفی)؛ به روش‌های پیشی، گرایش و کنشی در زمینه تربیت اشاره کرده اما هیچ اشاره‌ای به روش تربیتی امید محور نشده است.

۲- علی پور و محمودی (۱۴۰۲): در مقاله؛ واکاوی آموزه های تربیتی سوره یوسف در ساحت های شش گانه تربیت با تاکید بر دیدگاه آیت الله جوادی آملی؛ عمده تمرکز را بر ساحت فضائل و رذایل اخلاقی گذاشته و سخنی از امید محوری در فرآیند تربیت نشده است.

۳- ماهروزاده (۱۳۸۹): در مقاله "پیامها و آموزه های تربیتی سوره یوسف"، آموزه های تربیتی با تاکید بر مدیریت صحیح و توکل را تحلیل می کند. این پژوهش بیشتر بر توصیف پیامها تمرکز دارد و کمتر به تحلیلی عمیق در مورد روش های تربیتی و اثرات آنها پرداخته است.

۴- فلاح و رضایی (۱۳۹۲): در پژوهش خود با عنوان "بررسی الگوی ارتباط اخلاقی متقابل والدین و فرزندان"، نوع ارتباط حضرت یعقوب با فرزندانش را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند، اما این مقاله به تبیین بینش ها و گرایش های تربیتی بر مبنای تحلیل های عمیق و جامع نمی پردازد.

۵- شاملی (۱۳۷۹): در مقاله ای تحت عنوان "پیش نیازهای بهداشت روانی خانواده در سوره یوسف"، تلاشی برای برداشت های روان شناختی از سوره یوسف انجام می دهد که بر روش های توصیفی و اسنادی تاکید دارد، اما به تحلیلی ساختاری و جامع در حوزه تربیت امیدمحور نمی رسد.

۱.۳. نوآوری مقاله:

مقاله حاضر با استفاده از روش "تفسیر موضوعی"، به بررسی عمیق دلالت های تربیتی سوره یوسف می پردازد و به تحلیل شش مضمون اصلی امید، به ویژه در شرایط بحرانی، بر اساس متن قرآن می پردازد. همچنین، این مقاله با استخراج اصولی کلیدی برای "تربیت امیدمحور" از سوره یوسف، تلاش دارد تا چارچوبی نظری و عملی برای پرورش امید در فرد و جامعه ارائه کند. این رویکرد در تضاد با پژوهش های پیشین است که عمدتاً بر توصیف و تحلیل جزئیات تاکید دارند و به کمبود روحیه نوآوری در زمینه روش های تربیتی می پردازند.

به این ترتیب، مقاله حاضر نه تنها به غنای ادبیات موجود در زمینه تربیت اسلامی می افزاید، بلکه می تواند به عنوان یک مدل بومی کاربردی در طراحی برنامه های آموزشی و مشاوره ای در ابعاد امید و تاب آوری روانی در جامعه ی معاصر کارآمد باشد.

۲. مفهوم شناسی

۲.۱. مفهوم "امید"

"امید"، از جمله مفاهیم پیچیده، چندوجهی و بنیادین در هستی‌شناسی انسان است که در طول تاریخ، در حوزه‌های متنوعی چون فلسفه، الهیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ادبیات، مورد تأمل و بررسی عمیق قرار گرفته است (Snyder, 2002, p. 249). در ادبیات فارسی، امید در لغت به معنای آرزو، انتظار خیر، چشمداشت نیکو، و چشم‌داشت به آینده‌ای مطلوب است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه امید). اما در معنای اصطلاحی و علمی، فراتر از یک آرزوی صرفاً منفعل، به یک سازوکار روان‌شناختی فعال و پویا اطلاق می‌شود که شامل سه عنصر کلیدی و درهم‌تنیده است:

۱. **هدف‌گذاری:** این عنصر به توانایی فرد در تصور و تعیین اهداف مطلوب و ارزشمند در آینده، حتی در شرایط دشوار و نامساعد، اشاره دارد. امید بدون هدف، صرفاً یک رویای مبهم است.
۲. **تفکر مسیر:** این بعد، به ظرفیت شناختی فرد برای شناسایی و توسعه مسیرها و راهبردهای مختلف برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده می‌پردازد. این شامل انعطاف‌پذیری در یافتن راه‌های جایگزین در صورت مواجهه با موانع است.
۳. **تفکر عاملیت:** این عنصر، به باور فرد به توانایی خود برای شروع و حفظ حرکت در مسیرهای انتخابی، و پشتکار در مواجهه با موانع و چالش‌ها اشاره دارد (Snyder, 1994, pp. 57-61). این بعد، با مفهوم "خودکارآمدی" (Self-efficacy) در روان‌شناسی شناختی نیز همپوشانی دارد.

بنابراین، امید نه یک حالت انفعالی یا یک آرزوی خام، بلکه یک فرایند پویا و شناختی-عاطفی است که فرد را به سوی دستیابی به اهداف مطلوب در آینده هدایت می‌کند و در برابر چالش‌ها و مصائب، به او تاب‌آوری و پایداری می‌بخشد (Frankl, 1984, p. 74). از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا، امید به عنوان یکی از فضایل شخصیتی بنیادین و نقاط قوت انسانی شناخته می‌شود که با سلامت روان، رضایت از زندگی، کاهش علائم افسردگی و اضطراب، و افزایش عملکرد تحصیلی و شغلی همبستگی مثبت و معناداری دارد (Seligman, 2011, p. 206). افرادی که از سطح بالایی از امید برخوردارند، در مواجهه با شکست‌ها و ناکامی‌ها انعطاف‌پذیرتر بوده و بهتر می‌توانند از تجارب منفی درس گرفته و به سمت رشد حرکت کنند (Fredrickson, 2001, p. 219).

در جهان‌بینی اسلامی و متون غنی قرآنی، مفهوم امید با واژگانی چون "رجا" و "روح‌الله (به معنای رحمت الهی)" (سوره یوسف، آیه ۸۷) تجلی می‌یابد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. "رجا" در لغت به معنای انتظار خیر و رحمت از خداوند است که در نقطه مقابل "یأس" (ناامیدی مطلق) قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق،

۳۴۶). قرآن کریم، یأس از رحمت الهی را گناه کبیره و نشانه کفر و گمراهی می‌داند: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷). این آیه به وضوح بر اهمیت بنیادین امید در زیست ایمانی و توحیدی تأکید دارد و آن را مرز میان ایمان و کفر معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۱۷۸).

واضح است که جهان‌بینی توحیدی و رای همه مدل‌های دیگر در ارائه تصویری کامل از امید، به صورت مبنایی نقطه امید و منشا آن را طور دیگری تعریف کرده و صرفاً بر نکات روانشناسی بر مبنای انسان‌گرایی غربی تکیه ندارد. امید در اسلام، نه یک خودفریبی یا توهم، بلکه باور فعال و توکل‌آمیز به قدرت لایزال الهی، حکمت بی‌نهایت او در تدبیر امور و گشایش پس از هر سختی است (انشریح: ۶-۵). این نوع امید، با «آرزوهای طولانی» (امانی) که صرفاً به پندار و تخیل محدود می‌شوند و فاقد پشتوانه عمل صالح و تلاش هستند، متفاوت است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۷۸). امید قرآنی، فرد را به سوی عمل، تلاش، پایداری و نیکوکاری سوق می‌دهد، زیرا معتقد است که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (هود؛ ۱۱۵) و همواره راهی برای برون‌رفت از مشکلات و تنگناها فراهم می‌آورد (طلاق: ۲).

این پژوهش، «امید» را به عنوان حالت شناختی-عاطفی فعال و مبتنی بر توکل و ایمان راسخ به حکمت، قدرت و رحمت لایزال الهی تعریف می‌کند که فرد را قادر می‌سازد در مواجهه با چالش‌ها، اهداف مطلوب را تصور کرده، مسیرهای دستیابی به آن‌ها را بیابد و با اراده و پشتکار، در پرتو عنایت الهی، به سوی آن‌ها حرکت کند. این تعریف، ابعاد معنوی و توحیدی امید را به عنوان هسته اصلی آن برجسته می‌سازد.

۲.۲. روش «تفسیر موضوعی»

تفسیر موضوعی، رویکردی نوین و کارآمد در علوم قرآنی است که در دهه‌های اخیر به منظور پاسخگویی به نیازهای علمی، اجتماعی و کاربردی معاصر، اهمیت فزاینده‌ای یافته است (صدر، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۲). این روش، برخلاف تفسیر ترتیبی که به تفسیر آیات قرآن به ترتیب مصحف می‌پردازد، و تفسیر ادبی که بر معنای لغوی و بلاغی یک کلمه یا عبارت خاص متمرکز است، بر یک «موضوع» یا «مفهوم» خاص در سراسر قرآن (یا در یک سوره خاص) تمرکز می‌کند و تمامی آیات مرتبط با آن موضوع را از سوره‌های مختلف (یا از سوره مورد نظر) گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل می‌کند (معرفت، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۳۲۶).

هدف اصلی تفسیر موضوعی، رسیدن به دیدگاهی جامع، یکپارچه و نظام‌مند درباره یک مفهوم خاص از منظر قرآن است. این روش، امکان کشف ابعاد پنهان، روابط درونی و نظام فکری قرآن درباره آن موضوع را فراهم

می‌آورد. در واقع، تفسیر موضوعی به دنبال استخراج «نظریه قرآن» در مورد یک پدیده خاص است، نه صرفاً تبیین کلامی آیات (صدر، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۵). این رویکرد، در پژوهش‌های حوزه‌های تربیتی، اجتماعی و روان‌شناختی که به دنبال استخراج الگوها و مدل‌های بومی از متن دین هستند، کارایی بی‌نظیری دارد؛ زیرا به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از پراکندگی مفاهیم در آیات مختلف فراتر رفته و به یک فهم ساختارمند دست یابد.

در این نوشتار با نگاه کلی به مجموعه آیات سوره یوسف، و دسته بندی اصول و محور های مربوط به تربیت امید محور، به تحلیل نظام‌مند این سوره می‌پردازد تا مؤلفه‌ها، اصول و سازوکارهای «تربیت امیدمحور» از دل روایت‌های قرآنی استخراج شود.

۳. مضامین اصلی «امید» در سوره یوسف: پویایی یک فضیلت در بستر ابتلائات

سوره یوسف به عنوان «احسن القصص»، بستری بی‌نظیر برای تجلیات متنوع و پویای امید در مواجهه با چالش‌های سهمگین فراهم می‌آورد. امید در این سوره، نه یک مفهوم انتزاعی یا واکنشی منفعل، بلکه در بطن حوادث، کنش‌های شخصیت‌ها و پیامدهای الهی زندگی حضرت یوسف (ع) و خانواده‌اش نمود یافته و به یک نیروی محرکه فعال برای پایداری، رشد و رسیدن به فرجام نیک تبدیل می‌شود. این فضیلت، در سیر تحولی داستان، ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد که در ادامه به تفصیل تحلیل می‌شوند:

۳.۱. امید در رؤیا و بشارت‌های الهی: بذر امید در ناخودآگاه و نقطه‌گذاری برای تاب‌آوری معنوی

داستان یوسف (ع) با رؤیای صادقه او آغاز می‌شود که در آن، یازده ستاره، خورشید و ماه او را سجده می‌کنند (یوسف: ۴). این رؤیا، نه تنها یک پیش‌بینی صرف از آینده‌ای دور، بلکه بشارتی الهی و منبع اولیه و پایدار امید برای یوسف خردسال است. این مضمون، اولین جلوه از «امید الهی» را به تصویر می‌کشد که از مبدأ غیبی نشأت گرفته و فراتر از محدودیت‌های مادی و ظاهری است.

تحلیل عمیق: در فرهنگ قرآنی، رؤیا می‌تواند یکی از مجاری ارتباط انسان با عالم غیب و دریافت الهامات و بشارت‌های الهی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۸۵). رؤیای یوسف در اینجا، نه صرفاً یک تخیل کودکانه، بلکه نقطه‌گذاری الهی برای آینده‌ای درخشان و مقام رفیع اوست. این لطف الهی که قرار است در آینده محقق خواهد شد، در ناخودآگاه یوسف و در طول سالیان متمادی، در سخت‌ترین شرایط، به عنوان لنگرگاه امید عمل می‌کند. تأکید یعقوب (ع) بر عدم بازگو کردن این رؤیا به برادران (یوسف: ۵)، خود نشانه‌ای از ارزش استراتژیک

این “بذر امید” است که باید از آسیب‌های بیرونی و حسادت‌ورزی‌های شیطانی محافظت شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۶۹).

از منظر تربیت امیدمحور، این مضمون القا می‌کند که تلقین امید از طریق وعده‌های الهی، بشارت‌های غیبی و الگوهای کهن، حتی در سنین پایین، می‌تواند پایه‌های محکم تاب‌آوری بلندمدت را بنا نهد. این “امید اولیه” به مثابه یک پیش‌نیاز روان‌شناختی-معنوی عمل می‌کند که فرد را برای مواجهه با ابتلائات آتی آماده می‌سازد و به او چشم‌اندازی فراتر از زمان حال می‌دهد. رؤیا در اینجا نقش “هدف‌گذاری غایی” را ایفا می‌کند که مسیر زندگی یوسف را تعریف می‌کند و حتی در بی‌راه‌ها، او را به مقصد بازمی‌گرداند. چه اینکه بشارت بر نبوت است. در واقع این خواب تنها بیانگر عظمت مقام «یوسف» علیه السلام در آینده از نظر ظاهری و مادی نبود، بلکه، نشان می‌داد: او به مقام نبوت نیز خواهد رسید؛ چرا که سجده آسمانیان دلیل بر بالا گرفتن مقام آسمانی او است، و لذا پدرش یعقوب اضافه کرد: «و این چنین پروردگارت تو را بر می‌گزیند» «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رُبُّكَ» و از تعبیر خواب به تو تعلیم می‌دهد» «وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف؛ ۶)

۳.۲. امید در مواجهه با مکر و خیانت: رهایی از عمق یأس با نور “روح‌الله”

پس از رؤیا، مرحله‌ای از زندگی یوسف آغاز می‌شود که سرشار از مکر، حسادت و خیانت است؛ برادران او را به چاه می‌افکنند (یوسف: ۱۰). این واقعه، نماد عینی سقوط به عمق ناامیدی، بی‌کسی و اوج بحران وجودی است؛ موقعیتی که در آن، هرگونه امید انسانی به پایان می‌رسد و فرد با تجربه “فقدان مطلق” مواجه می‌شود. اما نکته کلیدی و شگفت‌انگیز اینجاست که حتی در قعر چاه، ندا و بشارت الهی به یوسف می‌رسد: “وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ” (یوسف: ۱۵) – “ما هم به او الهام کردیم که از این کار آگاهشان خواهی ساخت در حالی که آنان نمی‌فهمند”

تحلیل عمیق: این مضمون، “امید” را در معنای “نجات‌بخشی الهی در اوج تنگنا و مکر دشمنان” مطرح می‌کند. چاه، نماد ناخودآگاه تاریک، بی‌قدرتی و اوج آسیب‌پذیری است. اما یوسف در چاه تنها نیست؛ حضور، علم و تدبیر خداوند او را در بر گرفته است. (تفسیر نمونه، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۴۱۴) این تجربه، بنیان توکل، اعتماد و یقین یوسف به خداوند را مستحکم می‌سازد که هیچ مکر بشری نمی‌تواند بر اراده الهی غالب آید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۱).

تحلیل عمیق: این مضمون، «امید» را در معنای «نجات‌بخشی الهی در اوج تنگنا و مکر دشمنان» مطرح می‌کند. چاه، نماد تنهایی، بی‌قدرتی و اوج آسیب‌پذیری است. اما یوسف در چاه تنها نیست؛ حضور، علم و تدبیر خداوند او را در بر گرفته است. (تفسیر نمونه، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۴۱۴) این تجربه، بنیان توکل، اعتماد و یقین یوسف به خداوند را مستحکم می‌سازد که هیچ مکر بشری نمی‌تواند بر اراده الهی غالب آید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۱).

در تفاسیر گفته شده: هنگامی که یوسف در قعر چاه قرار گرفت، امیدش از همه جا قطع و تمام توجه او به ذات پاک خدا شد، با خدای خود مناجات می‌کرد و به تعلیم جبرئیل راز و نیازهایی داشت، که در روایات به عبارات مختلفی نقل شده است. جالب این که، در ذیل این حدیث می‌خوانیم: فرشتگان صدای یوسف علیه السلام را شنیدند و عرض کردند: *إِلَهِنَا نَسْمَعُ صَوْتًا وَ دُعَاءً: أَلْصَوْتُ صَوْتُ صَبِيٍّ وَ الدُّعَاءُ دُعَاءُ نَبِيٍّ!* «پروردگارا! ما صدا و دعائی می‌شنویم، آواز، آواز کودک است، اما دعا، دعای پیامبری است» (تفسیر «قرطبی»، ج ۵، ص ۳۳۷)

این امر نشان‌دهنده حضور فعال رحمت الهی حتی در شرایطی است که هیچ عامل انسانی برای نجات وجود ندارد.

بنابر فرض اینکه این آیات در مقام تربیت دینی مخاطبین آیات است، تربیت امیدمحور در این مرحله، بر این ایده استوار است که حتی زمانی که تمام درهای مادی بسته به نظر می‌رسند و توطئه‌ها از هر سو انسان را احاطه کرده‌اند، باب رحمت و تدبیر الهی باز است و هیچ قدرتی فراتر از اراده او نیست. این باور عمیق، می‌تواند به افراد بیاموزد که در مواجهه با توطئه‌ها، خیانت‌ها و دسیسه‌ها، به جای تسلیم شدن در برابر یأس و درماندگی، به قدرت لایزال الهی پناه ببرند و در پرتو این استعاده هیچ گاه امید خود را قاعدتا از دست نخواهند داد و به پاداش صبر و مظلومیت خویش امیدوار باشند. این بخش از داستان، قدرت تحول‌بخش ایمان در عبور از بحران‌های وجودی و بازسازی معنا در شرایط فقدان معنا را نشان می‌دهد (Frankl, 1984, p. 74).

۳.۳. امید در زندان و سختی‌ها: از حبس جسم تا رهایی روح و کنش‌مندی معنادار

دوران زندان یوسف، سال‌ها به طول می‌انجامد (حدود هفت تا ده سال، بنابر برخی تفاسیر و روایات، مانند صدوق، ص ۳۲۴، ح ۸ و مجلسی، ج ۱۲، ص ۲۶۱، ح ۲۳). این دوره، نماد بارز صبر طولانی‌مدت در شرایط به شدت ناامیدکننده، محدودکننده و طاقت‌فرسا است؛ شرایطی که فرد در آن از آزادی‌های اساسی خود محروم است و آینده‌ای مبهم در پیش رو دارد. با این حال، یوسف در زندان نیز دست از امید بر نمی‌دارد؛ او نه تنها به خداوند

توکل می‌کند، بلکه با تعبیر خواب‌ها و دعوت به توحید (یوسف: ۴۲-۳۶)، نقشی فعال و سازنده در محیط زندان ایفا می‌کند و از این موقعیت برای روشننگری و هدایت دیگران بهره می‌برد. حتی زمانی که مأمور فرعون فراموش می‌کند یوسف را به یاد بیاورد و مدت زندان او طولانی‌تر می‌شود (یوسف: ۴۲)، امید یوسف متزلزل نمی‌شود و به ناامیدی نمی‌انجامد. حتی در زندان و البته در همه مواقع ایشان با دعا و گفتگوی با خداوند، بذر امید را در دل بیشتر و بهتر می‌نشانند.

تحلیل عمیق: این بخش از سوره، پایداری و تاب‌آوری امید در برابر فرسایش زمان و ناامیدی‌های پی‌درپی را به تصویر می‌کشد. زندان، نماد "محدودیت‌های جسمانی و اجتماعی" است که می‌تواند روح را به سوی یأس سوق دهد. اما یوسف با وجود فراموش شدن و ظلم مضاعف، به جای یأس، انزوا و شکایت، به "خدمت‌رسانی، روشننگری و دعوت به حق" در زندان مشغول می‌شود (یوسف، آیات ۳۲-۴۰). این نشان می‌دهد که امید قرآنی، صرفاً یک انتظار منفعلانه برای گشایش نیست، بلکه یک نیروی محرک درونی برای کنش‌های مثبت، حفظ معنای زندگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

یوسف با به‌کارگیری علم تعبیر خواب و عنایتی که خداوند به او در این زمینه داشته است، نه تنها برای دیگران امید می‌آفریند، بلکه با عنایت الهی مسیر‌رهایی خودش نیز هموار می‌شود. تربیت امیدمحور در این بستر، بر اهمیت حفظ هدفمندی، معناداری و مسئولیت‌پذیری حتی در محدودترین و سخت‌ترین شرایط، و همچنین عدم وابستگی امید به عوامل صرفاً بیرونی تأکید دارد. یوسف با توکل به خدا، انجام وظایف دینی و اخلاقی خود، امید را درونی می‌کند و اجازه نمی‌دهد سختی‌ها و طولانی شدن فراق، آن را از بین ببرند. این بخش از داستان به "تفکر عاملیت" در نظریه امید اسنایدر (Snyder, 1994) بُعدی الهی و معنوی می‌بخشد؛ یعنی باور به اینکه فرد، حتی در اسارت، همچنان می‌تواند با اتکا به خداوند و توانایی‌های خود، نقشی فعال در تعیین سرنوشت و تأثیرگذاری بر محیط ایفا کند.

۳.۴. امید در جدایی و فراق: تبلور "روح‌الله" در صبرِ فعالِ یعقوب

یعقوب (ع) پدر یوسف، سال‌ها در غم فراق فرزندش گریه می‌کند تا جایی که بینایی خود را از دست می‌دهد و دیدگانش از اندوه سفید می‌شود (یوسف: ۸۴). این صحنه، اوج رنج عاطفی و فقدان فیزیکی است که می‌تواند هر انسانی را به مرز جنون و یأس مطلق برساند. با این حال، او هرگز از رحمت الهی مأیوس نمی‌شود و همواره به بازگشت یوسف و بنیامین امید دارد. سخن کلیدی و آموزنده یعقوب (ع) به فرزندانش: "يَا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا"

مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ” (یوسف: ۸۷) زیربنای این امید، یقین و توکل است.

تحلیل عمیق: این مضمون، “امید فعال، توأم با تلاش و سرشار از توکل” را به نمایش می‌گذارد. یعقوب علیه السلام بعد از امید اولیه مبنی بر خبر یافتن از نشانه‌هایی از زنده بودن فرزندش یوسف و یا حضور و نزدیک بودن او، فرزندانش را به جستجو، تحقیق و تلاش عملی برای یافتن یوسف و بنیامین فرمان می‌دهد. این فرمان همراه با نهی صریح و قاطع از یأس، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین امید در مکتب انبیا و قبح ناامیدی از دیدگاه توحیدی است در واقع ناامیدی ناشی از وسوسه‌های شیطانی است که در دل رسوخ می‌کند به گونه‌ای که انسان را از تلاش باز می‌دارد و او را تبدیل به موجودی منزوی و خانه‌نشین و بی‌خاصیت می‌کند؛ این حالت به قدری قبیح است که آن را از گناهان کبیره محسوب می‌کنند. امام صادق (ع) در این باره فرمود: «مَنْ أَكْبَرَ الْكِبَائِرِ عِنْدَ اللَّهِ الْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَالْقُنُوطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ بزرگ‌ترین گناهان کبیر نزد خدا، یأس از روح‌الله و ناامیدی از رحمت و نیکی خداست» (الکافی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۷۲)

. امید یعقوب، ریشه در ایمان راسخ به “روح‌الله” (رحمت واسعه و گشایش الهی) دارد که هرگز قطع نمی‌شود. این صحنه، درس بزرگی در تربیت امیدمحور ارائه می‌دهد: امید، نفی درد، غم و اندوه نیست، بلکه با وجود این هیجانات، تلاش، توکل و حرکت به سوی هدف را از بین نمی‌برد. یعقوب، به جای تسلیم شدن در برابر افسردگی ناشی از فقدان، از ایمان خود به عنوان یک مکانیزم دفاعی روانی-معنوی بهره می‌گیرد که او را از فروپاشی کامل نجات می‌دهد.

پیراهن یوسف و بوی آن (یوسف: ۹۳) نماد مادی از “تجلی امید” پس از سال‌ها فراق است که بینایی از دست رفته یعقوب را باز می‌گرداند و نشان می‌دهد که امید می‌تواند و قدرت دارد که حتی علاوه بر روح نیرویی دوباره به جسم بدهد و این احیا، با تجلی رحمت الهی پیوند خورده است.

۳.۵. امید به رحمت و تدبیر الهی: تجلی عدل و حکمت در فرجام نیکوکاران

داستان یوسف، با رسیدن یوسف به مقام عزیزی مصر، توبه و بخشش برادران، دیدار با خانواده به اوج خود می‌رسد (یوسف: ۱۰۰-۹۹). این فرجام نیک و مطلوب، تأکیدی قوی بر حکمت، رحمت و تدبیر الهی است که تمام سختی‌ها، چالش‌ها و مکرها را به سمت خیری بزرگ و سرانجامی نیکو سوق می‌دهد. آیات پایانی سوره، به

صورت صریح و ضمنی، بر حفظ و پاداش نیکوکاران و درس‌آموزی از قصص گذشتگان تأکید دارند (یوسف: ۱۱۱).

تحلیل عمیق: این مضمون، "امید به فرجام نیکو، پاداش الهی و تحقق وعده‌های خداوند" را برجسته می‌کند. قرآن از طریق داستان یوسف، به مخاطب می‌آموزد که سختی‌ها، ابتلائات و فراق‌ها گذرا هستند و حکمت الهی در پس هر اتفاق، به سوی خیری بزرگ، گشایش و رستگاری در حرکت است. این نوع امید، فرد را به استمرار نیکوکاری، تقوا و پرهیز از گناه تشویق می‌کند، زیرا می‌داند که خداوند اعمال نیکوکاران را ضایع نمی‌کند و همواره پایان کار تقوایی‌شان را به بهترین وجه رقم می‌زند. (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۲۰۲) این امر به ویژه در تربیت امیدمحور برای ساختن آینده‌ای پایدار، بانگیزه و توأم با رضایت الهی اهمیت دارد تحقق رؤیای یوسف پس از سال‌ها، نشان‌دهنده تدبیر بلندمدت الهی است که فراتر از فهم محدود بشری عمل می‌کند. این بخش از داستان به مرتبی می‌آموزد که همواره باید به یک "نقشه بزرگ الهی" ایمان داشت و مسیر زندگی خود را در چارچوب آن تنظیم کرد تا در نهایت به پاداش‌های وعده‌داده‌شده (که در این سوره، نه تنها اخروی، بلکه دنیوی نیز هستند) دست یابد.

۳.۶. امید در بازگشت به سوی حق و توبه: باب همیشه گشوده اصلاح و بازسازی معنوی

بخشش کریمانه برادران توسط یوسف و توبه خالصانه آن‌ها، یک جلوه مهم دیگر از امید در این سوره است (یوسف: ۹۲-۹۱). برادران که سال‌ها در عذاب وجدان و پشیمانی ناشی از خطای بزرگشان زندگی کرده بودند، با سخاوت، کرامت و بزرگواری یوسف مواجه می‌شوند و راهی برای بازگشت به سوی حق، جبران خطاها و دستیابی به رحمت الهی می‌یابند.

تحلیل عمیق: این مضمون، "امید به آمرزش، توبه و بازگشت به مسیر حق" را نشان می‌دهد. حتی برای گناهکاران و کسانی که دچار لغزش‌های بزرگ و خطاهای فاحش شده‌اند، باب توبه و بازگشت به سوی خداوند هرگز بسته نیست، مادامی که پشیمانی و اراده به اصلاح وجود داشته باشد. این خود یک منبع عظیم و پایدار از امید است که فرد را از غرق شدن در یأس ناشی از گناهان، احساس گناه مزمن و بی‌ارزشی باز می‌دارد و او را به سوی اصلاح، جبران مافات و تحول مثبت درونی تشویق می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۳۲۵). این بخش از سوره، بر جنبه تربیتی بخشش، ظرفیت بی‌کران انسان برای تحول مثبت، و گشایش الهی پس از پشیمانی و توبه، حتی پس از خطاهای بسیار بزرگ، تأکید دارد و الگویی از توبه‌پذیری و رحمت واسعه الهی ارائه می‌دهد. از دیدگاه روان‌شناختی، این بخش بر اهمیت بخشش خداوند و بازیابی عزت نفس از طریق توبه و اصلاح عمل تأکید می‌کند؛ فرایندی که به فرد امکان می‌دهد با گذشته خود صلح کرده و با امید به آینده‌ای بهتر، زندگی جدیدی

را آغاز کند. این امید نه تنها برای فرد گناهکار، بلکه برای کل جامعه نیز سازنده است، زیرا راه را برای بازگشت خطا کاران به جامعه و اصلاح امور هموار می‌کند.

۴. اصول تربیت امیدمحور از سوره یوسف

بر اساس تحلیل جامع و نظام‌مند مضامین فوق، می‌توان اصولی کلیدی را برای “تربیت امیدمحور” از سوره یوسف استخراج کرد. این اصول، چارچوبی عملی و نظری برای پرورش و تقویت امید در افراد ارائه می‌دهند و ابعاد مختلف شناختی، عاطفی، رفتاری و معنوی امید را در بر می‌گیرند و لایه‌های عمیق روان انسان را مخاطب قرار می‌دهند:

۴.۱. اصل اول: ایمان به غیب و بشارت‌های الهی: هسته بنیادین امید قرآنی

- **مؤلفه محوری:** باور عمیق و قلبی به وعده‌های الهی، حتی اگر در ظاهر دور از دسترس، خلاف منطق مادی یا غیرقابل تحقق به نظر برسند. این ایمان، بنیان اصلی امید است که بر غیب، قدرت مطلق و اراده نافذ الهی تکیه دارد و فراتر از شواهد محسوس عمل می‌کند. از جمله در آیات ابتدایی داستان یوسف علیه السلام و سخن بین حضرت یعقوب و حضرت یوسف این امر به خوبی در آیات نمایان است آنجا که می‌فرماید؛ **إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ ... ﴿٤﴾ قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ ... ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾**

این امید در ذهن حضرت یعقوب و بشارت به عاقبت نیک و همراه با امید سرانجام، خود نشانگر بنیان اصلی امید است.

- **تحلیل تربیتی:** این اصل، هسته اصلی تربیت امیدمحور قرآنی را تشکیل می‌دهد. فرد می‌آموزد که منبع اصلی و پایدار امید، خداوند متعال است ایمان و توکل به اول و لذا وعده‌های او (پیروزی حق، گشایش پس از سختی، پاداش نیکوکاران) حتمی‌الوقوع و تخلف‌ناپذیرند (انشریح: ۶-۵). تربیت‌کننده باید با قصه‌گویی‌های معنادار، تدبیر و تفکر درباره آیات الهی و یادآوری وعده‌های خداوند، این باور بنیادین را در مرتب‌تری تقویت کند. این ایمان، به فرد کمک می‌کند تا در تاریک‌ترین لحظات و یأس‌آورترین شرایط نیز نوری از امید را در دل خود زنده نگه دارد و به قدرتی ماورایی تکیه کند. این اصل، بر بعد فراشناختی

امید تأکید دارد که در آن فرد نه بر توانایی‌های صرفاً محدود خود، بلکه بر توانایی لایزال الهی برای تحقق اهداف متعالی تکیه می‌کند.

۴.۲. اصل دوم: صبر و استقامت فعالانه در مواجهه با شدائد: کنشگری در دل بحران

- **مؤلفه محوری:** پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها، مصائب و بلاها، همراه با تلاش مستمر، کنش‌های مثبت و عدم ترک وظایف. این صبر، نه یک انفعال، بلکه یک عمل آگاهانه و هدفمند برای مقابله با چالش‌ها و حفظ روحیه در مواجهه با فرسایش زمان است (صبر مثال‌زدنی یوسف در چاه و زندان، صبر طولانی یعقوب در فراق فرزندان، و جستجوی فعالانه برادران به فرمان یعقوب).
- **تحلیل تربیتی:** صبر در سوره یوسف، نه یک انفعال، بلکه یک کنش فعال، آگاهانه و توأم با استقامت است. یوسف در زندان منفعّل نمی‌ماند، بلکه از علم خود برای تعبیر خواب و دعوت به توحید استفاده می‌کند. یعقوب در فراق فرزندان، با وجود غم شدید، فرزندان را به جستجو و تلاش برای یافتن یوسف فرمان می‌دهد. این اصل به مربی می‌آموزد که صبر، کلید گشایش و حفظ امید است و بدون آن، یأس غالب خواهد شد. تربیت باید بر تقویت اراده، مدیریت هیجانات منفی (مانند خشم و ناامیدی)، و تشویق به تلاش‌های هدفمند، حتی در شرایط نامطلوب و فقدان چشم‌انداز روشن، تمرکز کند. این نوع صبر، فرد را به یافتن راه‌های جایگزین و حفظ پشتکار در مسیر اهداف تشویق می‌کند، حتی زمانی که مسیر اصلی مسدود به نظر می‌رسد. آیه **«إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»** (یوسف: ۹۰) به روشنی این اصل را تأیید می‌کند.

۴.۳. اصل سوم: توکل و اعتماد مطلق به تدبیر الهی: آرامش درونی در سایه یزدان

- **مؤلفه محوری:** واگذاری امور به خداوند و یقین به حکمت و خیرخواهی او در پشت هر اتفاقی، حتی اگر در ظاهر ناگوار یا غیرمنطقی به نظر برسد. این توکل، با تلاش و تدبیر همراه است و نه به معنای ترک عمل (توکل یوسف پس از نجات از چاه و در تمامی مراحل زندگی، و توکل یعقوب در برابر مکر برادران و فراق فرزندان).
- **تحلیل تربیتی:** این اصل، ریشه عمیق امید قرآنی و پایه آرامش درونی است. یوسف می‌داند که خداوند او را در هیچ شرایطی تنها نخواهد گذاشت و همواره حافظ و نگهبان اوست (یوسف: ۲۱). یعقوب (ع) به فرزندان می‌گوید **«اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»** (یوسف: ۶۴)، که اوج توکل و اعتماد به

قدرت الهی است. تربیت امیدمحور بر این اصل، مستلزم تقویت باور به قدرت مطلق و علم لایزال الهی، و پرورش حس امنیت و آرامش در پناه خداوند است. این اعتماد، اضطراب ناشی از عدم قطعیت و کنترل‌ناپذیری وقایع را به شدت کاهش داده و آرامش درونی پایداری را به ارمغان می‌آورد. از منظر روان‌شناسی معنوی، توکل به عنوان یک "مکانیزم مقابله‌ای" عمل می‌کند که به فرد کمک می‌کند تا با استرس‌های زندگی به شیوه‌ای مؤثرتر و معنادارتر برخورد کند.

۴.۴. اصل چهارم: نگاه فرجام‌بینانه و اعتماد به آینده الهی: بصیرت فراتر از زمان حال

- مؤلفه محوری: عدم قضاوت بر اساس ظواهر کنونی و جزئی، و باور عمیق به اینکه خداوند تمام سختی‌ها و چالش‌ها را به سمت خیری بزرگ، هدفی والا و فرج نهایی سوق می‌دهد. این نگاه، به فرد قدرت می‌دهد تا از جزئیات گمراه‌کننده فراتر رود و کل تصویر تدبیر الهی را درک کند (تحقق رؤیای یوسف پس از سال‌ها، و پایان نیک داستان).
- تحلیل تربیتی: سوره یوسف به وضوح نشان می‌دهد که مسیر رسیدن به هدف الهی، ممکن است پرپیچ و خم، طولانی و سرشار از ابتلائات باشد. سقوط به چاه، بردگی و زندان، همگی مراحل ضروری برای رسیدن به اوج قدرت و حکمت الهی بوده‌اند. این اصل به متربی می‌آموزد که باید به جای تمرکز بر لحظه حال ناگوار و جزئیات دردناک، دید بلندمدت و کل‌نگر داشته باشد و به تدبیر الهی در پایان کار و فرجام امور اعتماد کند. تأکید بر قصص گذشتگان و درس‌های آن‌ها، می‌تواند این نگاه فرجام‌بینانه و فلسفه تاریخ را تقویت کند (یوسف: ۱۱۱). این اصل با "تفکر هدف‌مدار" در نظریه امید همسو است، (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۲-۸) اما آن را با یک بعد معنوی و اعتقادی به "هدف متعالی" و "تدبیر الهی" غنی می‌سازد.

۴.۵. اصل پنجم: فعال‌سازی ظرفیت‌های فردی در دل ناامیدی: از محبس تا محفل هدایت

- مؤلفه محوری: بهره‌گیری از توانایی‌ها، استعدادها و مهارت‌های فردی برای ایجاد تغییر مثبت، کمک به دیگران و گشودن روزنه‌های امید، حتی در شرایط بسیار محدود، نامطلوب و بحرانی. این فعالیت، به معنای نادیده گرفتن محدودیت‌ها نیست، بلکه به معنای یافتن فرصت‌ها در دل محدودیت‌هاست (تعبیر خواب یوسف در زندان و درخواست از ساقی، و در نهایت تدبیر او در اداره مصر).

- **تحلیل تربیتی:** یوسف در زندان، با وجود اینکه خود یک زندانی است، از علم تعبیر خواب خود برای کمک به دیگران و رفع ابهام از ذهن آن‌ها استفاده می‌کند. این کنش فعال، نه تنها برای دیگران امید می‌آفریند، بلکه فرصتی برای خروج او از زندان نیز فراهم می‌آورد. این اصل به تربیتی می‌آموزد که یأس و ناامیدی نباید مانع از تلاش، به‌کارگیری استعدادها و ارائه خدمت به دیگران شود. تربیت باید بر شناسایی و تقویت نقاط قوت فرد، تشویق به حل مسئله، خلاقیت، و ایجاد فرصت‌های جدید، حتی در شرایط سخت و محدودیت‌های شدید، متمرکز باشد. این اصل به شدت با “تفکر عاملیت” در نظریه امید ارتباط دارد، اما آن را با بعد “خیررسانی” و “مسئولیت اجتماعی” در بستر معنوی تقویت می‌کند.

۴.۶. اصل ششم: پرهیز مطلق از یأس از رحمت الهی: مرز ایمان و کفر

- **مؤلفه محوری:** شناخت یأس به عنوان یک خطای فکری، گناه قلبی و مانع بزرگ رشد معنوی، و تلاش آگاهانه و مستمر برای مقابله با آن در تمامی مراحل زندگی. یأس، نه تنها مانعی برای پیشرفت فردی، بلکه گناهی بزرگ از دیدگاه قرآنی است (تأکید قاطع یعقوب بر عدم یأس در آیه ۸۷).
- **تحلیل تربیتی:** قرآن یأس از “روح الله” را تنها مخصوص کافران و گمراهان می‌داند (یوسف: ۸۷). این تصریح، نشان‌دهنده قبح و خطر یأس از منظر الهی و تربیتی است، چرا که ناامیدی ریشه بسیاری از انحرافات و ترک تلاش‌هاست. این اصل تربیتی بر لزوم توجه به مضرات یأس، تقویت خودآگاهی نسبت به نشانه‌های ناامیدی و ترویج تفکر مثبت، توکل‌محور و رجاء‌آمیز در برابر افکار یأس‌آور تأکید دارد. ((پرچم و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۴)) هدف، پرورش افرادی است که در هر شرایطی، دریچه‌ای از امید به رحمت و اسعه الهی را باز نگه دارند و هرگز خود را در بن‌بست کامل نبینند. این اصل به جنبه بازدارنده تربیت امیدمحور می‌پردازد؛ یعنی شناسایی و از بین بردن موانع درونی که مانع از شکوفایی امید می‌شوند.

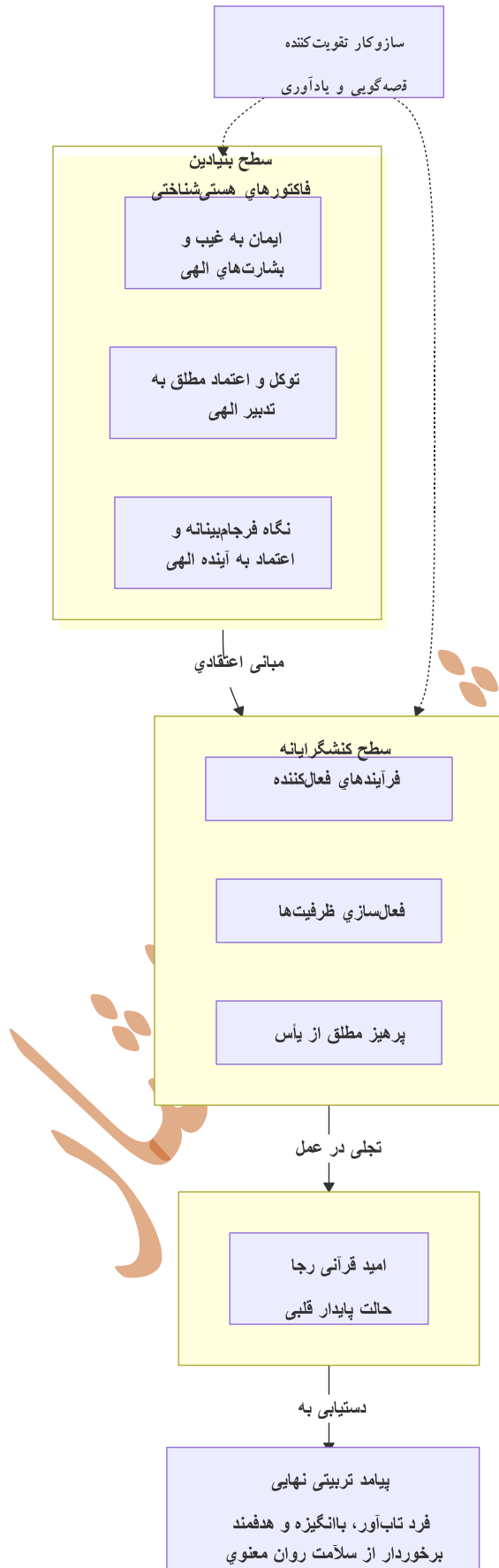
۴.۷. اصل هفتم: نقش یادآوری و قصه‌گویی در تقویت امید: انتقال حکمت از دل روایت‌ها

- **مؤلفه محوری:** استفاده از روایت‌های معنادار، الگوهای تاریخی و قصص انبیا و اولیا برای القای امید، انتقال تجارب زیسته افراد امیدوار و تقویت باورهای مثبت. این قصص، به عنوان ابزارهای قدرتمند تربیتی، می‌توانند مفاهیم انتزاعی امید را در قالب تجارب ملموس و قابل همذات‌پنداری ارائه دهند (خود سوره یوسف به عنوان “احسن القصص” و وسیله‌ای برای “درس‌آموزی برای خردمندان” - یوسف: ۱۱۱).

- **تحلیل تربیتی:** قرآن کریم با ارائه داستان یوسف، خود به عنوان یک الگوی قصه‌گویی امیدبخش عمل می‌کند. این داستان، به صورت نمادین و تأثیرگذار، مسیر ابتلا تا پیروزی را به تصویر می‌کشد و به مخاطب، الگوهای عملی برای حفظ امید در شرایط دشوار را نشان می‌دهد. این اصل بر اهمیت استفاده از روایات قرآنی و سیره معصومین، تجارب افراد موفق، و الگوهای تاریخی برای القای امید و تقویت باورهای مثبت در فرایند تربیت تأکید دارد. این روش، به دلیل تأثیر عاطفی و شناختی قوی داستان‌ها، می‌تواند امید را به شکلی ماندگار در روح و روان متربی نهادینه کند و به عنوان یک ابزار ارتباطی و پداگوژیک برای انتقال مفاهیم عمیق عمل می‌کند. این داستان‌ها، الگوهای کهن را در ناخودآگاه مخاطب فعال می‌کنند و به او در یافتن راه‌حل‌های معنوی برای چالش‌های زندگی کمک می‌نمایند.

پیش‌گامان
پیش‌گامان
پیش‌گامان

۵. مدل مفهومی "تربیت امیدمحور قرآنی"



تحلیل مدل: این مدل نشان می‌دهد که «امید» در جهان‌بینی قرآنی صرفاً یک احساس موقتی یا یک حالت روانی سطحی نیست، بلکه حاصل یک نظام باورمندانه عمیق و یک فرایند تربیتی پویا است. این نظام بر پایه ایمان به خداوند (اصل اول، سوم و چهارم) بنا شده و این ایمان، هسته اصلی تولید و پایداری امید را تشکیل می‌دهد. در کنار این مبانی اعتقادی، کنش‌ها و رفتارهای فعالانه (اصل دوم و پنجم) نقش حیاتی در حفظ و تقویت امید ایفا می‌کنند؛ زیرا امید بدون تلاش، به آرزوی خام تبدیل می‌شود. پرهیز از یأس (اصل ششم) به عنوان یک عامل بازدارنده و دفع‌کننده موانع درونی امید عمل می‌کند، در حالی که قصه‌گویی و الگوبرداری (اصل هفتم) به عنوان یک مکانیزم آموزشی و تلقینی، این اصول را به صورت ملموس و قابل فهم به مخاطب منتقل می‌کند.

این مدل، بر خلاف مدل‌های روان‌شناختی صرف که گاهی به ابعاد متافیزیکی و الهیاتی بی‌توجه‌اند، دارای ابعاد ماورایی و معنوی است که آن را از سایر رویکردها متمایز می‌کند و بنیانی قوی‌تر برای مقابله با چالش‌های وجودی و یافتن معنا در سخت‌ترین شرایط فراهم می‌آورد. هدف نهایی این تربیت، پرورش فردی است که در هر شرایطی، چشم به گشایش و حکمت الهی دارد و توانایی عبور از بحران‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را کسب می‌کند، و از یک سلامت روان معنوی و یکپارچه برخوردار است. این مدل، به جای ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت، بر ایجاد یک ساختار روانی-معنوی پایدار تمرکز دارد که فرد را در مسیر زندگی، همواره امیدوار و هدفمند نگاه می‌دارد.

روابط، سلسله‌مراتب و تأثیر متقابل مؤلفه‌های مدل:

در مدل پیشنهادی سه لایه سلسله‌مراتبی مشخص شده است: (۱) پایه معنوی (ایمان به غیب) که نقش «بنیان‌گذار» و شرط لازم پایداری امید را دارد؛ (۲) سازوکارهای روانی-رفتاری (صبر، توکل همراه با تدبیر، فعال‌سازی ظرفیت‌ها، پرهیز از یأس) که عمل‌گرا و میانجی تبدیل باور به رفتارند؛ و (۳) لایه انتقال و تثبیت (قصه‌گویی، بازخورد اجتماعی، نهادهای تربیتی) که الگوها را بازتولید و تقویت می‌کند.

روابط علت-معلولی به صورت زیر عمل می‌کنند: ایمان → تقویت صبر و توکل؛ سپس این سازوکارها با فعال‌سازی ظرفیت‌ها مسیرهای عملی برای تحقق اهداف امیدمحور را می‌سازند؛ در نهایت قصه‌گویی و بازخورد اجتماعی این دستاوردها را تثبیت و به نسل بعد منتقل می‌کنند.

مدل شامل حلقه‌های بازخورد است: تجربه موفق (گشایش) بازخورد مثبت به ایمان و خودکارآمدی می‌دهد و بدین‌وسیله چرخه امید را تقویت می‌کند؛ بالعکس، فقدان حمایت اجتماعی یا شکست‌های مکرر می‌تواند با فعال‌سازی مکانیزم‌های پیشگیری (پرهیز از یأس، تقویت تدبیر) مهار شود.

به‌طور خلاصه، سلسله‌مراتب نشان‌دهنده تقدم پایه معنوی بر سازوکارهای عملی و تقدم این سازوکارها بر فرایندهای انتقال است، و تأثیرگذاری متقابل از طریق حلقه‌های بازخورد و هم‌افزایی میان مؤلفه‌ها تضمین می‌شود.

۶. بازخوانی "امید" در آینه "احسن القصص"

تحلیل عمیق سوره یوسف با رویکرد تفسیر موضوعی، نشان داد که "امید" در این متن مقدس، نه صرفاً یک مفهوم اخلاقی یا حالت عاطفی گذرا، بلکه یک فضیلت پویا، چندوجهی و بنیادین است که در تمامی ابعاد زندگی انسان، از فردی‌ترین تجارب تا اجتماعی‌ترین کنش‌ها، حضوری نافذ دارد. یافته‌های این پژوهش، هفت مضمون اصلی و هفت اصل تربیتی را در حوزه "امیدمحوری" از این سوره استخراج کرد که هر یک از آن‌ها، لایه‌ای از پیچیدگی و عمق این مفهوم را آشکار می‌سازند.

۱. تمایز امید قرآنی از مفاهیم مشابه روان‌شناختی: بر خلاف برخی تعاریف روان‌شناختی غربی که امید را صرفاً به عنوان یک سازه شناختی-رفتاری (مانند نظریه امید اسنایدر) یا یک هیجان مثبت (مانند رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا) تعریف می‌کنند، تحلیل سوره یوسف نشان داد که امید قرآنی ریشه‌ای عمیق در جهان‌بینی توحیدی و ایمان به غیب دارد. این تفاوت، در "اصل اول: ایمان به غیب و بشارت‌های الهی" و "اصل سوم: توکل و اعتماد مطلق به تدبیر الهی" به وضوح مشهود است. امید یوسف و یعقوب، نه بر اساس شواهد مادی یا توانایی‌های صرفاً بشری، بلکه بر پایه وعده‌های الهی و اطمینان به حکمت لایزال خداوند بنا شده است. این بعد معنوی، امید قرآنی را از "خوش‌بینی کاذب" یا "آرزوهای خام" متمایز می‌کند و آن را به یک نیروی پایدار و غیرقابل تزلزل تبدیل می‌سازد که حتی در اوج بحران‌ها نیز فرو نمی‌ریزد. یوسف در قعر چاه یا در زندان، هیچ دلیل مادی برای امیدواری ندارد، اما ایمان به وعده الهی (رؤیا) و تدبیر خداوند، او را امیدوار نگاه می‌دارد. این امر به بعد "فراشناختی" امید اشاره دارد که در آن، فرد به جای تکیه بر خود، بر قدرت مطلق الهی تکیه می‌کند (Snyder, 2002, p. 249; Frankl, 1984, p. 74).

۲. نقش فعال و کنش‌مدار امید: این پژوهش نشان داد که امید در سوره یوسف، هرگز به معنای انفعال یا انتظار صرف نیست. "اصل دوم: صبر و استقامت فعالانه" و "اصل پنجم: فعال‌سازی ظرفیت‌های فردی"

به وضوح این بعد را تأیید می‌کنند. یوسف در زندان، به جای گوشه‌گیری و یأس، از علم خود برای تعبیر خواب و دعوت به توحید استفاده می‌کند. یعقوب (ع) نیز با وجود اندوه فراق، فرزندان را به جستجو و تلاش برای یافتن یوسف فرمان می‌دهد. این یافته، با دیدگاه‌های نوین در روان‌شناسی مثبت‌گرا که بر «عاملیت» (Agency) و «تفکر مسیر» (Pathways Thinking) به عنوان مؤلفه‌های کلیدی امید تأکید دارند، همسو است (Snyder, 1994, pp. 57-61). با این تفاوت که در سوره یوسف، این عاملیت و تفکر مسیر، نه صرفاً از اراده فردی، بلکه از توکل به خداوند و انجام وظایف الهی نشأت می‌گیرد و به آن عمق و پایداری بیشتری می‌بخشد.

۳. **تربیت امید از طریق ابتلائات و چالش‌ها:** سوره یوسف، یک الگوی تربیتی «بحران‌محور» را ارائه می‌دهد که در آن، امید نه در شرایط آرام، بلکه در دل سخت‌ترین ابتلائات پرورش می‌یابد. چاه، بردگی، زندان و فراق، همگی مراحل ضروری برای تکامل شخصیت یوسف و تعمیق امید او هستند. این یافته، با رویکردهای روان‌شناسی تحولی که بر نقش چالش‌ها در رشد شخصیت تأکید دارند، همخوانی دارد (Erikson, 1968, p. 92). «اصل چهارم: نگاه فرجام‌بینانه» نیز به متری می‌آموزد که سختی‌ها، بخش جدایی‌ناپذیری از مسیر تکامل هستند و باید با دیدی بلندمدت به آن‌ها نگرست. این دیدگاه، به فرد کمک می‌کند تا در مواجهه با شکست‌ها، به جای فروپاشی، از آن‌ها درس گرفته و به سمت رشد حرکت کند.

۴. **یأس به عنوان مانع اصلی تربیت امیدمحور:** تأکید قاطع یعقوب (ع) بر عدم یأس از «روح‌الله» و معرفی آن به عنوان ویژگی کافران (یوسف: ۸۷)، نشان می‌دهد که «اصل ششم: پرهیز مطلق از یأس» یک مؤلفه حیاتی و بازدارنده در تربیت امیدمحور است. یأس، نه تنها یک حالت روانی منفی، بلکه یک خطای فکری و گناه قلبی است که مانع از هرگونه تلاش و پیشرفت می‌شود. این یافته، با دیدگاه‌های روان‌شناسی شناختی که بر نقش افکار منفی در شکل‌گیری ناامیدی تأکید دارند، همسو است (Beck, 1976, p. 11). اما قرآن، یأس را به یک بعد وجودی و ایمانی ارتقا می‌دهد و آن را مرز میان ایمان و کفر معرفی می‌کند.

۵. **نقش قصه‌گویی و الگوبرداری در تربیت امید:** «اصل هفتم: نقش یادآوری و قصه‌گویی» بر اهمیت ابزارهای روایی و نمادین در انتقال مفاهیم عمیق تربیتی تأکید دارد. خود سوره یوسف به عنوان «احسن القصص»، بهترین نمونه از این روش تربیتی است. قصص قرآنی، به دلیل جذابیت، قابلیت همذات‌پنداری و تأثیر عاطفی، می‌توانند مفاهیم انتزاعی امید را به شکلی ملموس و ماندگار در ذهن و قلب متری نهادینه کنند. این یافته، با رویکردهای نوین در آموزش و پرورش که بر یادگیری از طریق روایت و الگوبرداری

تأکید دارند، همخوانی دارد و به بعد کاربردی تربیت امیدمحور اشاره می‌کند (Bruner, 1990, p. 67).

نسخه پبلیش از انتشار

نتیجه گیری:

- مهم ترین مضامین و جلوه های امید در سوره یوسف عبارتند از:
 - امید در رؤیا و بشارت های الهی: این مضمون، بذر اولیه امید را در ناخودآگاه یوسف می‌کارد و به او چشم اندازی از آینده ای درخشان می‌دهد که در تمامی مراحل زندگی، لنگرگاه اوست. این امید از مبدأ غیبی نشأت می‌گیرد و در مواجهه با چالش های اولیه (حسادت برادران) به یوسف تاب آوری می‌بخشد.
 - امید در مواجهه با مکر و خیانت: حتی در اوج بی‌کسی و سقوط به چاه، ندای الهی به یوسف می‌رسد که او را از آینده ای که در آن بر برادرانش برتری خواهد یافت، آگاه می‌سازد. این تجلی امید، بر قدرت نجات بخش الهی در شرایطی که هیچ عامل انسانی برای نجات وجود ندارد، تأکید دارد.
 - امید در زندان و سختی ها: یوسف در دوران طولانی زندان، با وجود محدودیت ها و فراموش شدن، دست از کنشگری و خدمت رسانی بر نمی‌دارد و از استعداد خود (تعبیر خواب) برای کمک به دیگران استفاده می‌کند. این نشان دهنده امید فعال و پایداری است که به عوامل بیرونی وابسته نیست.
 - امید در جدایی و فراق: یعقوب (ع) با وجود سال ها اندوه و از دست دادن بینایی، هرگز از رحمت الهی مأیوس نمی‌شود و فرزندانش را به جستجوی فعالانه یوسف و بنیامین فرمان می‌دهد. این مضمون، بر امید توأم با تلاش و توکل مطلق به “روح الله” تأکید دارد.
 - امید به رحمت و تدبیر الهی: فرجام نیک داستان یوسف، تحقق رؤیا و رسیدن او به مقام عزیزی مصر، نشان دهنده حکمت و تدبیر الهی است که تمام سختی ها را به سمت خیری بزرگ سوق می‌دهد. این امید، به پاداش نیکوکاران و تحقق وعده های الهی اطمینان می‌بخشد.
 - امید در بازگشت به سوی حق و توبه: بخشش برادران توسط یوسف و توبه آن‌ها، نشان دهنده باب همیشه گشوده آمرزش و اصلاح است. این مضمون، امید را برای گناهکاران و کسانی که دچار لغزش شده اند، زنده نگه می‌دارد و آن‌ها را به سوی تحول مثبت تشویق می‌کند.
- بر اساس تحلیل سوره یوسف، مولفه ها و اصولی برای “تربیت امید محور” استخراج شد:
 ۱. ایمان به غیب و بشارت های الهی: پرورش باور عمیق به وعده های خداوند و قدرت لایزال او، حتی فراتر از شواهد مادی.

۲. صبر و استقامت فعالانه در مواجهه با شدائد: آموزش پایداری، شکیبایی و تلاش مستمر در برابر سختی‌ها، همراه با کنش‌های مثبت.
۳. توکل و اعتماد مطلق به تدبیر الهی: تقویت باور به حکمت و خیرخواهی خداوند در تمامی امور و واگذاری آن‌ها به او.
۴. نگاه فرجام‌بینانه و اعتماد به آینده الهی: آموزش دید بلندمدت و کل‌نگر به وقایع، با اطمینان به فرجام نیک الهی.
۵. فعال‌سازی ظرفیت‌های فردی در دل ناامیدی: تشویق به بهره‌گیری از استعدادها و مهارت‌ها برای ایجاد تغییر مثبت، حتی در شرایط محدود.
۶. پرهیز مطلق از یأس از رحمت الهی: شناخت یأس به عنوان یک خطای فکری و گناه قلبی، و آموزش مقابله فعال با آن.
۷. نقش یادآوری و قصه‌گویی در تقویت امید: استفاده از روایات معنادار و الگوهای تاریخی برای القای امید و انتقال تجارب مثبت.

این پژوهش نشان داد که سوره مبارکه یوسف، فراتر از یک روایت تاریخی، یک منشور تربیتی جامع و عمیق برای پرورش "امید" در انسان است. "امید قرآنی" که از این سوره استخراج شد، مفهومی چندوجهی است که ریشه در ایمان به غیب و توکل به تدبیر الهی دارد و با صبر فعال، تلاش مستمر، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فردی و پرهیز مطلق از یأس همراه است. این امید، نه تنها یک حالت روانی مثبت، بلکه یک نیروی محرکه وجودی است که فرد را قادر می‌سازد تا از سخت‌ترین ابتلائات عبور کرده، به اهداف متعالی دست یابد و به سلامت روان معنوی و یکپارچگی شخصیت نائل شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- پرچم، اعظم، فاتحی زاده، مریم، محققان، زهرا، ۱۳۹۲، ابعاد سه گانه ی نظریه امید اسنایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم، تحقیقات علوم قرآن و حدیث سال دهم بهار و تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱ (پیاپی ۱۹).
- خرمنشاهی، بهاءالدین (۱۳۹۹). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. چاپ دوم، تهران: دوستان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق: دار القلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربیه.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۷ق). المدارس الاسلامیه فی التفسیر. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶). الامالی تهران، کتابچی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۸). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، انتشارات اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۷). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (۱۴۰۷ق) تهران، دارالحدیث الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، (۱۴۰۳)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدی، حسن (۱۴۰۱). روان شناسی امید در آموزه های اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۴۲۱ق). تفسیر نمونه. چاپ بیست و ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). التمهید فی علوم القرآن. قم: انتشارات تمهید.
- Beck, Aaron T. (1976). Cognitive Therapy and the Emotional Disorders. New York: International Universities Press
- Bruner, Jerome S. (1990). Acts of Meaning. Cambridge, MA: Harvard University Press

- Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing .(۲۰۱۸) .Creswell, John W •
 Approaches. 4th ed. Los Angeles: SAGE Publications Among Five •
 Yvonna S. Lincoln, eds. (2017). The SAGE Denzin, Norman K., and •
 Research. 5th ed. Los Angeles: SAGE Publications Handbook of Qualitative •
 Erikson, Erik H. (1968). Identity: Youth and Crisis. New York: W. W. Norton •
 .Company & •
 Frankl, Viktor E. (1984). Man's Search for Meaning. Revised and updated ed. •
 New York: Washington Square Press •
 L. (2011). "The Role of Positive Emotions in Positive Fredrickson, Barbara •
 Broaden-and-Build Theory of Positive Emotions." Psychology: The •
 .۲۲۶-۲۱۸ : (۳)۵۶ American Psychologist •
 Lincoln, Yvonna S., and Egon G. Guba. (1985). Naturalistic Inquiry. Beverly •
 Hills, CA: SAGE Publications •
 Seligman, Martin E. P. (2011). Flourish: A Visionary New Understanding of •
 Happiness and Well-being. New York: Free Press •
 Smith, John (2022). Global Crises and Human Resilience. New York: •
 .University Press •
 Snyder, C. R. (1994). The Psychology of Hope: You Can Get There from •
 Here. New York: Free Press •
 Snyder, C. R. (2002). "Hope Theory: Rainbows in the Mind." Psychological •
 Inquiry 13(4): 249-272 •